



## اعتراف عربستان، ترکیه و رژیم صهیونیستی به ناکام ماندن طرح سرنگونی بشار

نگاهی به اظهارات اخیر ولیعهد عربستان، وزیر خارجه ترکیه و نیز وزیر جنگ رژیم صهیونیستی در خصوص سوریه حاکی از این است که هر یک از این سه یک موضوع را با عبارات متفاوت مطرح کردند و آن اینکه: زینه سرنگونی بشار اسد دیگر اولویت نیست و ناکام مانده است.

به گزارش آران نیوز: به نقل از روزنامه البناء، دقت در اظهارات اخیر محمد بن نایف ولیعهد عربستان مبنی بر لزوم امتیازدهی های دردناک و نیز اظهارات چاووش اوغلو وزیر خارجه ترکیه و آویگدور لیبرمن وزیر جنگ اسرائیل در قبال سوریه نشان می دهد که اظهارات این سه با وجود لحن متفاوت یک مضمون دارد: کوتاه آمدن از گزینه های قبلی در قبال سوریه و دست برداشتن از تاکید بر لزوم سرنگونی بشار اسد.

نکته قابل توجه در این خصوص اینکه جملات سمبلیک در سخنرانی های سیاستمداران فقط یک هدف دارد و آن انتقال از یک مرحله به یک مرحله سرنوشت ساز است، نمونه آن اینکه در پی ناکام ماندن ترکیه در ملحق شدن به اتحادیه اروپا داود اوغلو وزیر خارجه وقت این کشور از در پیش گرفتن تئوری جدید مبنی بر تحکیم جایگاه ترکیه در جهان اسلام و عادی سازی روابط با کشورهای اسلامی سخن گفته و نظریه صفر کردن تنش ها با همسایگان را مطرح کرد.

البته اوغلو این رویکرد را در لباس راهبرد جدید و عالی کشورش عنوان کرد و از گفتن این جمله اجتناب کرد: اگر در پیوستن به اتحادیه اروپا شکست خوردیم چرا نباید به سمت کشورهای اسلامی بازگردیم؟

عمر کوتاه روابط دوستانه ترکیه با کشورهای اسلامی

اما رخدادهای بعدی نشان داد که چیزی که اوغلو از آن سخن می گفت نه یک راهبرد بلکه سیاست جدید کشورش بود زیرا روابط دوستانه با کشورهای اسلامی چندان دوام نیاورد و مدتی بعد جای خود را به دشمنی با تمام همسایگان از سوریه گرفته و عراق و روسیه داد.

به هر حال در مرحله کنونی شاهد شکل گرفتن یک پدیده مشابه با دلایل مختلف هستیم به این معنی که سیاستمداران سیاست را در قالب راهبرد جدید کشورشان بیان می کنند و این سیاست را چیزی فراتر از یک موضع گیری جلوه می دهند.

در همین راستا وقتی امیر محمد بن نایف ولیعهد عربستان از معادله جدید در سیاست سعودی صحبت می کند که باید مبتنی بر امتیازدهی های دردناک باشد و همزمان با آن چاووش اوغلو وزیر خارجه ترکیه نیز اولویت کشورش در سوریه را لزوم وحدت سوریه عنوان می کند و آویگدور لیبرمن وزیر جنگ و چهره افراطی اسرائیل نیز از اولویت حفظ وحدت مردم بر وحدت اراضی سخن به میان می آورد و یا سرگئی لاوروف از معادله جلوگیری از سقوط حلب سخن می گوید باید گفت که پشت این عناوین، گام های عملی مشابه در جریان است.

ناکامی دامن سیاست های عربستان را گرفته است

به عبارت دیگر منظور بن نایف از امتیازدهی های دردناک روابط داخلی در خاندان حاکم سعودی و یا کاهش قیمت های نفت در بازار جهانی و یا طرح جانشین ولیعهد معروف به برنامه سال 2030 نیست بلکه نگاهی به اظهارات او نشان می دهد که ناکامی دامن سیاست های عربستان را گرفته است و چاره ای نیست جز بازنگری در این سیاست ها و قبول کردن امتیازدهی های دردناک.

در واقع اظهارات او به طور مستقیم به سوریه و یمن مربوط می شد و به طور خاص به ناکام ماندن در سرنگونی بشار اسد اشاره داشت بدون اینکه پادشاه و پسرش را مسئول این ناکامی معرفی کند بلکه عامل این شکست را بدعهدی آمریکا و ترکیه و عهدشکنی آنان دانست.

اما امتیازدهی های دردناک در اینجا پوششی برای موضوعی بسیار مهم است که همان گشایش موضع در قبال بشار اسد رئیس جمهور سوریه و اصلاح اشتباهات گذشته است و پرواضح است که هر کس نگاهی به این اظهارات داشته باشد به معنی که در دل آن نهفته است، پی می برد.

همچنین اظهارات چاووش اوغلو مبنی بر اینکه اولویت ترکیه در سوریه حفظ وحدت آن است اظهاراتی بحث برانگیز و به این معنی است که اولویت قبلی یعنی سرنگونی بشار اسد دیگر جواب نمی دهد.

اظهارات او به طور ضمنی به این موضوع اشاره دارد که دیگر تاکید بر این اولویت فایده ای نخواهد داشت و این اظهارات در واقع سرپوشی بر این است که اولویت قبلی ترکیه که در طول پنج سال بر آن تاکید داشت، قابل مطرح کردن نیست.

هرکس در این خصوص شک دارد به این بخش از اظهارات اوغلو توجه داشته باشد که گفت تحقق اولویت وحدت سوریه نیازمند همکاری قوی با روسیه و ایران است .

کوتاه آمدن تدریجی ترکیه از اولویت های قبلی

در اینجا یک سوال مطرح است و آن اینکه آیا منظور اوغلو این است که تفاهم با روسیه و ایران بر سر معادله سوریه یکپارچه با حضور بشار بهتر از سوریه تجزیه شده و یا نفوذ گردها در سوریه بدون بشار اسد است؟

پاسخ این سوال حتما مثبت است و عملا نیز شاهد سوق یافتن تدریجی ترکیه به سمت روسیه و ایران و فراهم کردن مقدمات کوتاه آمدن از اولویت های قبلی هستیم که تا پیش از این بر جنگ علیه بشار اسد و سرنگونی آن بود. اما لیبرمن نیز به نوبه خود اسرائیلی ها را در خصوص گزینه های موجود در قبال سوریه اینگونه خطاب قرار داد که اکنون وحدت ملت بر وحدت اراضی اولویت دارد و وضعیت به گونه ای نیست که اسرائیلی ها یکی از این دو را انتخاب کنند بلکه توفان های سیاسی که اسرائیل و آینده آن را در بر گرفته است، اجازه نمی دهد که بتوانند به طور همزمان وحدت ملت و اراضی را حفظ کنند.

منظور او این است که چه بسا در مرحله بعدی باید از برخی مناطق جغرافیایی شهرک نشینان کوتاه آمده و شهرک ها را برچید تا بتوان آینده اسرائیل را حفظ کرد.

در واقع چیزی که لیبرمن از آن تحت عنوان وحدت اراضی یاد می کند، همان ناتوانی در حفظ آن است و منظور او امتیاز دهی بر سر برخی شهرک ها در خاک فلسطین است و این موضوع را در در این قالب بیان کرد که اول باید وحدت ملت شکل بگیرد یعنی بتوان رضایت شهرک نشینان را جلب کرد و خسارت های آنان را جبران کرد بعد وحدت اراضی حال آنکه تا پیش از این بر حق اسرائیل در بلندی های جولان صحبت به میان می آمد.

اما سرگئی لاوروف که رهبری روند سیاسی طولانی مدت با آمریکایی ها درخصوص سوریه را به دست داشت، در سخنانی آشکار گفت که ما به آمریکایی ها اعلام کردیم که برای جلوگیری از سقوط حلب در کنار ارتش سوریه خواهیم ایستاد.

دراین خصوص باید توجه داشت که این اعلام موضع روسیه به آمریکا در واقع یک اقدام دیپلماتیک بود زیرا نیازی به اعلام آن نبود زیرا روسیه پیش از این اعلام کرده بود که در سوریه این صحنه نبرد است که حرف اول را می زند و روسیه هر جا که لازم باشد، حضور پیدا خواهد کرد تا از ارتش سوریه حمایت کند.